هو العلیم

أهمیت جایگاه عقل به عنوان میزان تشخیص حق از باطل در جمیع شئون سالک

سلوک خانواده ـ قم ـ جلسه ۳۰

بیانات

حضرت آیت‌الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی

قدس الله سره

أعوذُ بِاللَه مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم

بِسمِ اللَه الرَّحمَنِ الرَّحيم

وصلَّى اللَه عَلَى سيدنا و نبينا أبى‌القاسم مُحَمّدٍ

وعلى آله الطّيبين الطّاهرين و اللعنة عَلَى أعدائِهم

أجمَعينَ

قبل از پرداختن به سوالات و پاسخ به آنها در حدود سعه و مجال وقت، این مطلب را خدمت دوستان عرض کنم که چه در جلسات اینجا و یا در جلسات طهران و یا در سایر جاهای دیگر، نظر بنده براین است که نسبت به سوالات حتی المقدور جواب داده بشود منتهی [دوستان] به خاطر کثرت سوالات چطور اینکه این مقدار الان در دست بنده است و الان که داشتم می‌آمدم نگاه کردم به آن قفسه، دیدم این مقدار آنجاست، گفتم که حالا اینها را هم می‌آوریم چه بسا ممکن است جواب را در جلسات دیگر دریافت کنند. از این نظر ما امیدوار هستیم که مطالبی که در جلسات مختلف گفته می شود به سمع

و رویت دوستان برسد چون بسیاری از این مطالب به هم پیوستگی دارد، مخصوصا همین مطالبی که فعلا در جاهای مختلف بنده خدمت رفقا عرض کردم وآن جنبه عقلانیت سلوکی همراه با احساس و تمایل و شوق و رغبت و عشق به راه و اقتران این دو با هم وعدم انفکاکجنبه عقلانیت با جنبه اهتمام و عشق به راه و سلوک که [به صورت] مختلف [و] در جاهای مختلف عرض شده. طبعاً برای پیگیری مطالب باید به مطالب گذشته هم توجه بشود.

لذا بنده در طول صحبت، در مقدمه یا در پاسخها سعی می‌کنم که در ضمن این سوالات را هم، به یک نحوی پاسخ [بدهم] درخور سعه و ظرفیت خودمان. حال قبل از پرداختن به این مطالب، به عنوان مقدمه در راستای مطالبی که در جلسات گذشته، خدمت رفقا و دوستان عرض شد مطالبی را به تناسب اشُهر حُرم که اشهر ماه رجب و همینطور شهرهای مبارکه، ماه‌های متبرکه که شعبان و رمضان هست و باید مطالب بیشتری در این زمینه عرض بشود و دقت بیشتری نسبت به رفتار و کردار. و

هرکسی که به دنبال مطلب هست طبعاً باید به این مسائل توجه بیشتری بکند

مرحوم آقا رضوان اللَه علیه یک روز به بنده می‌فرمودند که قصد وغرض ما از تشکیل این مجالس صرف آمد و رفت نیست، منظور این است که در این مجالس دوستان و رفقا به مبانی راه و مکتب ما، آگاه بشوند بنابراین همه افرادی که دراین مجلس شرکت می‌کنند باید بهرمند بشوند. لذا خودشان هم توصیه می‌کردند که وقتی که منبری دارد صحبت می‌کند صدا از آبدارخانه مثلًا نیاید توجه می‌کنید آنهایی که می‌آیند فرض کنید در آبدارخانه و چای و این چیزها می‌دهند تصور نکنند که حالا وظیفه اینها چای دادن است، حالا هرچی می‌خواهد گفته بشود و دیگر [به ما] ارتباطی ندارد، ما تکلیفمان را انجام دادیم و همینقدر که مورد قبول حضرت آقا قرار گرفتیم دیگر این مسئله تمام است! نه! ایشان فرمودند منبری که صحبت می‌کند برای همه است خیلی نکته دقیقی است ها! این قضیه را ما باید خیلی بهش توجه کنیم نشان می‌دهد اینها اهل هیئت و هیئت بازی نبودند بیاو برو نمی‌دانم کوچه

درست کن دادو بیداد و هوار و این حرفها و دوربین و فیلم و مسخره بازی‌هایی که شما دارید فرض بکنید که همه جا می‌بینید

ما وارد یک مجلس فاتحه شدیم در یک جایی، دیدم آقا دارد می‌آید با ما معانقه کند یک دوربین نیم متری با کم و زیادش پشت سر اومده دارد نشانه می‌گیرد ماها را، عکس ما را بردارد، گفتم این مسخره بازی‌ها را بگذارید کنار! بگذارید کنار. اینا چیه؟ هیئت بازی مسخره بازی تئاتر، اسم مجلسِ فاتحه است ولی در واقع تئاتر است، تئاتر یک وقت اونجور است یک وقت اینجور است. یک وقت توی تئاتر بالای سن وفلان از این چیزها ما که نرفتیم اونجا نمی‌دانیم چیه؟ دیگران نقل کردند ان‌شاءاللَه درست نقل کردند دیدند که یک عده می‌آیند آنجا و می‌نشینند و لباسهای مخصوص می‌پوشند و یک حرفهایی می‌زنند حالا یا خنده دار یا غیر خنده دار، مردم هم نگاه می‌کنند حالا یک ساعت یا یکساعت و نیم وقتشان می‌گذرد. می‌گویند که یک آقایی بالای منبر گفت که چیه آدم یک لیوان چیز نجس بخوره ده

تومان بده پانزده [تومان بدهد]! یکی از اون پایین گفت حاج آقا با شما گرون حساب کردند ما کمتر از این گیرمان می‌آید! حالا فرض کنید یکی بیاید یک حرفهایی بشنود، چیه؟ تئاتر است دیگر، یک عده می‌آیند به یک لباسی خودشان رادر می‌آورند حالا خودش یک شغلی دارد یک کاری دارد ولی لباس عوض می‌کند، می‌گوید من الان می‌آیم دراین لباس این شخصیتم، اون هم می‌آید حالا فرض کنید برای خودش یک کاری دارد زندگیی دارد اشتغالی دارد یک فرهنگی دارد، هرچه دارد او هم می گوید من هم در این شکل آمدم، لباس عوض کردم. صحبت عوض می‌شود لباس عوض می‌شود تفکر عوض می‌شود عبارات عوض می‌شود برخورد عوض می‌شود. این را می‌گویند چه؟ تئاتر. اون تئاتر هم اینجاست عیناً همین است بیاو برو و مسخره بازی و این حرفها و مطالب و دکور و ... هان؟ دکور! نمی‌دانم اینجاش اونجور باشد این بیا اون برو اون تحویل بگیر اون را چیکار کن، همش تئاتر است. منتهی این اسم خدا رویش است اون بدبختها اسم خدا روش نمی‌گذاشتند، سرگرمی مردم، همین. ره

چنان رو که رهروان رفتند

وقتی که مرحوم آقا می‌فرمایند که ما جایمان همینجاست مجلس همین مجلس است هرکسی می‌خواهد در این مجلس شرکت کند زودتر بیاید ما جا را وسیع تر نمی‌کنیم ما یک طبقه دیگر روی این منزل نمی‌سازیم به بنده فرمودند هر کی دلش می‌خواهد زودتر بیاید. این نشان می‌دهد که این مکتب در چه حال و هوایی دارد سیر می‌کند؟ این به دنبال رای جمع کردن نیست به دنبال مرید جمع کردن نیست به دنبال اشاعه فرهنگ تشیع است. به این لحاظ آمده و دارد این راانجام می‌دهد این مقدار جمعیت گنجایش دارد بیش از این هم گنجایش ندارد هرکه می‌خواهد زودتر بیاید هر که نمی‌خواهد هم نیاید، یا برود در کوچه بنشیند. توجه می‌کنید!

ایشان می‌فرمودند تمام افرادی که دراین مجلس شرکت می‌کنند همه باید بهرمند بشوند یعنی بشنوند که این منبری چه دارد می‌گوید؟ بشنوند که این مداح الان چه شعرهایی دارد می‌خواند؟ چه توسلی دارد انجام می‌دهد؟ توجه می‌کنید! یکدفعه مرحوم حداد

به بنده می‌فرموند که در وقتی که حال داری ذکرت را انجام بده اگر حال نداری بگذار برای وقتی که حال داری چون اگر در حال عادت بخواهی ذکر بگویی این نه اینکه اثر ندارد اثرش خیلی کم است. آن توجه نفسی که پیدا می‌کنی به ذکر در موقع ذکر گفتن که آن توجه، حرکت می‌دهد و جلو می‌برد واین حقایق را منطبع می‌کند طبع می‌زند طبع یعنی مهر زدن، در نفس این صور را منطبع می‌کند. توجه کردید! در حالی که در حال کسالت است در حالی که حال خستگی هست در حالی که خیلی حوصله نداری درآن موقع ذکر گفتن فایده‌ای‌ندارد یا فایده‌اش خیلی کم است.

این افراد هم باید بدانند که آمدن دراینجا به معنای توجه و فراگیری است مطالبی را که می‌شنوند این مطالب را بسپرند، ببینند آیا این مطالب با آن مبانی صحیح است یا نه؟ می‌خورد یا اصلا نمی‌خورد؟ شاید یک شخصی که دارد یک حرفی می‌زند اشتباه باشد، بیایند سوال کنند: آقا فلان منبری یک همچین حرفی زد درست است یا نه؟ روی مطالبی که منبری می‌گوید بروند تامل کنند مطالعه

کنند فکر کنند، نه اینکه آمدیم اینجا یک ثوابی هم می‌بریم ومی‌رویم، نه اینکه ثواب ندارد دارد ولی بهره کم است این قسم بهره‌اش کم است آن قسم بهره‌اش زیاد است، شاید منبری اشتباه کند شاید آن کسی که ذاکر هست یک شعری بخواند که آن شعرش مناسبت کمتری داشته باشد یا مناسبتی نداشته باشد. همه افراد دراین بپاداشتن مجلس اهل بیت سهیم هستند نه اینکه فقط خیال کنید آن ذاکر یا آن منبری، فقط مسئولیت با اینهاست.

یک وقتی یکی از همین دوستان شهرستانها به من گفت، آقا من اینجا [آمده] بودم دیدم دونفر دارند با هم صحبت می‌کنند من به آنها تذکر دادم که شما که دارید با هم صحبت می‌کنید مثلًا یک گوشه مجلس و اینها، الان منبری دارد صحبت می‌کند واینها خیلی توجه نکردن و من دارم به شما می گویم که این چه مجلسی است که منبری دارد حرف می‌زند اینها هم با هم حرف می‌زنند؟ گفتم اشتباه کردند، شما می‌بایست به آنها تذکر بدهید، گفتند اونها معمم بودن، گفتم باشند، معمم باشند! معمم که بیشتر باید

به مسائل توجه داشته باشد. تذکر می‌دادید آقا در اینجا مجلس هست حرفی می‌خواهید بزنید بیرون بزنید، گفت باید می‌زدید. گفت پس من از شما اجازه دارم؟ گفتم بله اجازه دارید. گفت دیگران؟ گفتم به دیگران چکار داری؟ بنده، صاحب مجلس به شما می‌گویم که شما می‌توانید تذکر بدهید. اگر ندادی نگو آقای طهرانی نگذاشته، هان! دارم صریحا می‌گویم که تذکر بدهید صحبت نشود. آدم که می‌خواهد صحبت بکند خوب جای دیگر هم که هست جای دیگر هم که هست.

من در یک مجلسی خدمت رفقا، یک جایی بود مجلس عصر جمعه بود. من دیدم که رعایت مجلس عصر جمعه را خیلی‌ها نمی‌کنند هر چه به آنها تذکر می‌دادیم آنها در یک افق دیگری بودند خیلی مطلب را جدی نمی‌گرفتند، همین ایراد، ببینید همین ایراد است. و آنهایی که جدی نگرفتند بعدها به مشکل برخوردند. ایراد همین است که تصور بر این است که همینی که از مشهد و حضرتآقا و مرحوم والد، دستور آمد که بیا اینجا، دیگر همین است، همین تمام است. حالا توی این مجلس حرف بزنی نزنی

بخندی نمی‌دانم چیکار کنی اینها دیگر مسائلی است که بله! خیلی بله! جزوء تفننات است و خیلی بهش توجه نمی‌شود. در حالی که آن کسی که می‌گوید مجلس عصر جمعه بگذار، دارد از یک واقعیت خبر می‌دهد چطور شما وقتی که برای فلان بیماریتان به پزشک مراجعه می‌کنید اینقدر به حرفهای پزشک ترتیب اثر می‌دهید ولی حرفهای این بزرگان مثل آب خوردن وآب رونده است؟ وقتی که می‌گوید این دوا را بخورید ساعت را می‌گذارید که زنگ بزند که سر هشت ساعت تاخیر نیفتد! وقتی که می‌گوید نیم ساعت قبل از غذا بخورید سر نیم ساعت می‌خورید، آقا این قرص را بیست دقیقه بعد از غذا بخورید خیلی دقت می‌کنید، اما وقتی که در اینگونه مطالب گفته می‌شود، حالا یک مطلبی گفته می‌شود، یک مسئله اینگونه حالا .... درحالی که اگر به کلام آنها باید توجه کرد هزاربرابر بیشتر باید به این مطالب توجه بشود، آن برای یک بیماری زود گذر است واین برای یک سعادت ابدی است، مسئله تفاوت می‌کند. البته ممکن است که بعضی‌ها به آن درک

صحیح و آن درک واقع نرسیده باشند خب طبعاً آنها حسابشان جداست اما نباید برای افرادی که می‌خواهند استفاده کنند مانع ایجاد کنند. اگر شخصی ....

خیلی به بنده گفتند که خیلی‌ها می‌آیند توجه نمی‌کنند یا اینکه حالا یک مطلبی دارند می‌خواهند گفته بشود، فرصت از دست می‌رود! باید بدانند این صحبتی که می‌کنند این صحبت مانع از فیض دیگران است و شرعاً اشکال دارد شرعاً اشکال دارد مثل اینکه فرض بکنید یک عده بیایند دراینجا شروع کنند به سیگار کشیدن، فضا هم بسته یا بسته هم حتی نباشد خب شما که دارید در اینجا سیگار می‌کشید الان تنفس که حق طبیعی تک تک افراد است درش اخلال ایجاد می‌شود شما شرعاً مسئولی، حالا خودت داری کار حرام را انجام می‌دهی سیگار می‌کشی اون به جای خود، خودت می‌دانی و خدای خودت، چرا جلوی حق دیگران را می گیری؟ پس تو دو گناه انجام دادی، یکی اینکه داری اولًا ضرر بر خودت وارد می‌کنی یک گناه، دوم اینکه داری پول در راه این گناه صرف می‌کنی، این دو گناه. اون یک

گناه این دو گناه که داری پولت را برای یک امر حرام می‌دهی، یک امر ضرردار می‌دهی، بروبرگرد هم ندارد. گناه سوم که از این دو بالاتر است اگر در یک مجمع باشد اگر در صحرا باشد که هیچی اینکه شما آمدی در یک فضا، تنفس حق همه است، نیا! بلند شو برو توی خیابان اونقدر دود بکش تا خودت هم دود بشوی! ولی وقتی که می‌آیی در یک فضایی که در آن فضا دیگری هم باید بیاید دومی هم باید بیاید سومی هم باید بیاید چهارمی هم باید بیاید به چه حقی جلوی تنفس اونها را هم می‌گیری؟ اون می‌گوید به این مقدار من نیاز به اکسیژن دارم شما داری اون اکسیژن را خراب می‌کنی داری بجایش گازها و دودهای مضر به من می‌دهی و این کار حرام است و برو برگرد هم ندارد. برای همین الان می‌بینیم که در مجامع عمومی و فرودگاه‌ها و اینها یک فضایی را درست کردن برای سیگار، یک اتاقهایی است دود کش هم دارد و تهویه هم دارد افراد می‌روند در آنجا سیگار می کشند وقتی سیگارشان را کشیدند می‌آیند بیرون، اون هم دود را می‌کشد بالا، توجه کردید!

خیلی هم کار درستی است که اقلًا مانع برای تنفس دیگری نیست واین از این نظر خب ایراد دارد.

در زمان مرحوم آقا این قضیه انجام می‌شد و الحمدلله درآن موقعیت حالابه واسطه هر چه، موقعیت ایشان حالا افراد ترتیب اثر می‌دادند، لطفشان نسبت به مرحوم آقا بوده، ولیکن الان احساس می‌شود که این قضیه کمرنگ شده ونسبت به این قضیه آن توجه کافی نمی‌شود لذا استدعا این است از دوستان که اگر اینها یک مطلب ضروریی هست، چیزی، صحبت این را برای موارد دیگر قرار بدهند، بیرون از این مجلس، بروند در منزل، بروند در منزل یک ساعت دوساعت صحبت کنند البته در صورتی که اخلال در امور منزل ایجاد نشود و این مطالب ضروری را گاهی اوقات سه چهار ساعت طول می‌کشد این مطالب ضروری را در غیر از انجا بخواهند چیز بکنند. آنجا جایی است که همه باید بنشینند واستفاده کنند

من به دوستانی که در مجلس جمعه توجه نمی‌کردند در نهایت امر یک حرف زدم گفتم شما یک ساعت از وقتتان را در هفته به من بفروشید

می‌فروشید؟ بفروشید، دیگر چطوری با شما حرف بزنیم؟ هر چه بگوییم که گوش نمی‌دهید! آقا حاضرید که یک ساعت از این وقتتان را در هفته به ما بفروشید؟ یعنی یکساعت مال من است هان! یعنی خودت نمی‌توانی دخل و تصرف کنی، گفتش که آقا همه وقتمان مال شماست گفتم نه همه وقتت را بگذار برای خودت و برای بقیه. من یک ساعت بیشتر نمی خواهم، یک ساعت! توجه می‌کنید! چرا باید اینطور بشود؟ گفتم این یک ساعت فاصله جلسه، این مال من، کل هفته نمی‌دانم چند ساعت است؟ ضرب در بیست و چهار بکنید ببینید چند در می‌آید؟ تمام بقیه‌اش مال شما، داد بکش! هر کاری خواستی، بخند گریه کن، هرکاری خواستی بکن این یکساعت را شما ....! دیدند خب این یک ساعت را فروختند و ما هم فسخ در معامله نمی‌کنیم و مجبورند بر اینکه این یک ساعت را به هر خون دلی هست، به هر خون دلی هست این یکساعت را به سکوت بگذارند و خوب هم همین است همین درست می‌کند آدم را، همین درست می‌کند.

شنیدن خیلی درست نمی‌کند کتاب خواندن خیلی ...، اونی که درست می‌کند حرف شنیدن است آندرست می‌کند آدم را. ذکر گفتن موثر هست ولی بعد از این، نماز شب موثر هست بعد ازاین، قرآن خواندن موثر هست بعد از این، زیارت موثر هست بعد از این. اول انسان حرف بشنود بعد برود زیارت، بعد قرآن بخواند، بعد نماز بخواند و بعد همه چیز. آن نباشد زیارت تاثیر ندارد نماز تاثیر ندارد قرآن دارم صریح می‌گویم قرآن تاثیر ندارد دعا ندارد ذکر ندارد یونسیه ندارد، سجده، آن چه را که تاثیر دارد به گوش گرفتن مطالب است و به گوش گرفتن مبانی آن را انسان اگر انجام داد اونوقت دیگر زیارتش زیارت خواهد بود قرآنش قرآن خواهد بود و هلمجرا توجه کردید! این مسئله مسئله مهمی است. لذا از دوستان ورفقا تقاضا می‌شود که آنهایی که باز خیلی مطالب ضروری دارند و حتما می‌خواهند که در این مجالس خلاصه صحبت کنند این یک ساعت را به ما بفروشند این وقت یک ساعت، یک ساعت و نیم را، و به این مطالب به نحو جدی ترتیب اثر بدهند.

ماه رجب است و همانطور که در صحبتهای قبلی هم عرض کردیم مسئله مسئله اقتران عقلانیت است با مبانی. هر جایی که مسئله عقلانیت به کناری گذاشته شد ما چوبش را خواهیم دید که چگونه خواهیم خورد وآن فَسادش را خواهیم دید، چطور اینکه داریم می‌بینیم، افرادی که مبانی را کنار گذاشتند و عقلانیت را کنار گذاشتند و به احساسات و شایعت و امثال ذالک ترتیب اثر دادند، الان خجالت زده و شرمنده از فسادی که به بار آوردند باید پاسخگو باشند وبرو برگرد هم ندارد قضیه، توجیه واینها هم فایده‌ای‌ندارد، این مسئله است.

این مطلب است که باعث می‌شود شیطان نتواند به انسان نفوذ پیدا بکند وقتی که یک شخص آمد عقل را در کنار آن عشق و علاقه و احساسات قرار داد، این عقل نمی‌گذارد که آن احساسات بیاید وغالب بشود و نفس را در اختیار بگیرد و وقتی که نفس را در اختیار گرفت دیگر راه نفوذ مبانی را بر او ببندد، نه! عقل همیشه باید در کنار سایر مبانی که مطرح می‌شود باشد، بسنجد. در هر قضیه‌ای بسنجد

چشمش را نبندد کله‌اش رادر برف نکند، کله‌اش را در برف نکند که فرض بکنید حالا شتر دیدی ندیدی، حالا این دیگران دارند می‌کنند ما هم اشکال ندارد فرض بکنید انجام بدهیم، حالا این آقا به این بزرگی، به این موقعیت دارد این را انجام می‌دهد پس بنابراین ما هم ...، نه! موسی به دین خود عیسی به دین خود، شما را در قبر او نمی‌گذارند اون راهم در قبر شما نمی‌گذارند هر کی وظیفه خودش و پرونده خودش را باید داشته باشد.

اگر انسان بخواهد به شایعات نگاه کند به مسائل نگاه کند، در جریانات گذشته، چند سال پیش یادتان رفته چه گفتم من؟ در قضیه طهران من گفتم. نگفتم به خوابها توجه نکنید؟ نگفتم به مکاشفاتی که نقل می‌شود توجه نکنید؟ ترتیب اثر ندهید؟ نگفتم به اینی که می‌گویند امام زمان اینطوری اینطوری می‌گوید. اینها همه شیطان‌اند گوش ندهید؟ نکنید؟ گوش ندهید به اینی که خانم جلسه دارد نقل می‌کند چون خانم جلسه است دیگه حرفش تمام است؟ خانم جلسه! بالاتر از خانم جلسه! بالاتر از بالاتر بالاتر از ....! تمام اینها کنارشان یک شیطان است،

کنار من هم یک شیطان است، کنار تک تک ما شیطان است و از راه خودش دارد وسوسه می کند، هر کسی هم راهش را خوب بلد است، یک کسی را خدا گذاشته بغل دست ما، یک موجودی را گذاشته بغل دست ما، از اون آدم بی سواد گرفته بلد است چطوری توش راه پیدا بکند تا بالاترین کسی را که شما می‌توانید تصور بکنید إِلَّا عِبادَ اللهِ الْمُخْلَصِينَ [سوره صافات، آیه ٤٠ و ٧٤ و ١٢٨ و ١٦٠] که خب آنها حسابشان جداست که اولیاء خدا هستند، بقیه، تمام افراد بلا استثناء شیطان دنبالشان است و وسوسه می‌کند، می‌گویم بلااستثناء، و توی این بلا استثناء خیلی حرفها هست و دیدیم و می‌بینیم که چطور موثر افتاد این وساوس، هم دیدیم و هم داریم می‌بینیم آینده را هم خدا ان‌شاءاللَه ختم بخیر کند، توجه کردید!

با همه ما شیطان هست و برای همه مان راه می‌گذارد برای همه مان توجیه می‌گذارد توجیه آماده کرده ماشاءاللَه تا سقف، این توجیه نشد توجیه بعدی، اون توجیه را جواب دادیم توجیه بعدی، اون

توجیه را جواب دادیم هی هی هی، ماشاء اللَه به این کارخانه چاپ سازی! چه خبر است؟ قدرت خدا را ببین! من این کاری که کردم به خاطر اون بود، خب این اشکال وارد می‌شود، نه! پس به خاطر این بود. این اشکال وارد می‌شود، نه! بخاطر این بود. این اشکال وارد می‌شود، نه! این بخاطر، این بخاطر این است. هی هی هی توجیه برو بالا، اینها همش مال چیه؟ مال این است که نیامیدیم عقل را در کنار احساسات خودمان دخیل بدهیم، نیامدیم. نفس و نفسانیات را آمدیم غلبه دادیم، اهواء دنیه را آمدیم غلبه دادیم، خیالات و توهمات را آمدیم ولی از یک نقطه غافل بودیم که خیالات و توهمات را خودمان آمدیم غلبه دادیم ولی در کار خدا که ما نمی‌توانیم دست ببریم، هان می‌توانیم؟ یااینکه خدا را [هم] مامور خودمان و در تحت رقیت خودمان قرار دادیم؟ اونهارا دیگر نمی‌توانیم دست ببریم، وقتی نتوانیم خدا هم کار خودش را می کند. منتظر نیست از ما اجازه بگیرد. ملائکه خدا منتظر دستورما نیستند اونها کار خودشان را می‌کنند یکدفعه می‌بینیم این کاری که این انجام داد سر از اینجا در آورد این کاری که

خدا دارد می‌کند سر از اینجا در می‌آورد اینها در مقابل هم قرار می‌گیرند، حالا بیا درستش کن! جالب اونجاست که می‌خواهیم رنگ خدایی هم بزنیم به کارهایمان، برای خدا می‌کنیم، برای اسلام می‌کنیم، برای دفاع می‌کنیم برای دفاع. این است! نتیجه‌اش اینه! توجه می‌کنید.

هر کسی که عمل کرد عمل کرد هر کسی که عمل نکرد خودش چوبش را می‌خورد و ضررش را به خود می‌خرد و باید پاسخگوی تبعاتی باشد که ازاین کارش در خارج بروز پیدا کرده. این سومی را باید چکار کرد؟ این سومی! کاری که من انجام بدهم و مفاسدش دامن دیگران را بگیرد! این را چه می‌شود کرد؟ پس حالا باید حواسمان را جمع کنیم، هان! باید خیلی مواظب باشیم در رفتار خودمان در کارهای خودمان. اولا مواظب باشیم سرمان در لاک خودمان باشد و هر چه می‌گویند گوش بدهیم، نه کورکورانه گوش بدهیم و کرکرانه از کنار آن بگذریم، نه! ببینیم با مطالب و مبانی چطورجور درمی‌آید؟ خلاف خلاف است چه خلاف در اینجا

که حسینه است انجام بشود خلاف است یا خلاف در خیابان و میدان تجریش، هر دو خلاف است. خلاف فرق نمی‌کند. نه اینکه حالا این در اینجا حسینیه است یک پوششی شده که رویش را می پوشاند. خلاف خلاف است دروغ دروغ است چه دروغ در فرمانیه طهران باشد یا دروغ در حرم حضرت معصومه سلام اللَه علیها باشد، دزدی دزدی است چه این دزدی در امریکا و کالیفرنیای امریکا باشد یا دزدی در حرم مطهر امام رضا باشد، مگر در حرم امام رضا دزدی نمی‌کردند؟ مگر جیب نمی‌زدند یک وقتهایی؟ الان دیگر چیزی نمی‌شنویم. هان؟ توی حرم موسی بن جعفر چندسال پیش جیب خود من را داشتند می‌زدند! توی حرم موسی بن جعفر در کاظمین! خب دزد کجاست؟ خب چون اینجا حرم موسی بن جعفر است دزد نیست این جبرئیل است آمده جیب من را دارد می‌زند! بابا دزد است دیگر، همینطوری مچش را گرفتم بهش گفتم برو دیگر از این کارها نکن، صدایم در نمی‌اید برو، بعد آمد بیرون ظاهراً متنبه شد و یک چیزی بهش دادم متوجه شدید دزد دزد است پس معلوم است که

در حرم موسی بن جعفر هم شیطان پیدا می شود در حرم امام رضا هم شیطان پیدا می‌شود قضایایی نقل کردند، در کتب نقل کردند، خلاف هایی حالا غیر از دزدی، توی حرم ائمه، این نیست حالا چون امام رضا در اونجا دفن شده حالا دورش یک حصاری کشیده شده حضرت یک خطی کشیدند دور صحن، دیگر اینجا قرنطینه است اینجا محروسه است اینجا محبوسه است، نه آقا جان! این حرفها نیست. بلکه در اونجا خطر بیشتر است اگر دروغ در اینجا یک گناه دارد دروغ در حرم امام رضا صدتا گناه دارد هزارتا گناه دارد اگر دزدی دراینجا یک گناه دارد دزدی در حرم امام رضا ببین چه خبر است! اینجوری نیست که این خبرها، این مسائل.

خلاف خلاف است، از هر کسی می‌خواهد باشد خلاف است و هر کسی باید به اندازه دهنش حرف بزند و هر کسی باید به اندازه توانش حرف بزند پرونده بنده رادست جنابعالی و جنابعالی ندادند پرونده بنده دست خودم است برای من کسی نمی‌تواند تکلیف تعیین کند، باید این کاررا بکنی،

فقط دو نفر می‌توانند برای من تکلیف تعیین کنند یکی امام زمان ارواحنا فداه دوم اگر ولی کامل و عارف واصلی پیدا شود که سلام مرا بهش برسانید اون می‌تواند. توجه کردید همین! بقیه حرفها را باید در جای خودش سنجید حالا بنده تعبیرهایی را نمی‌آورم که ....! هر حرفی را باید در جای خودش سنجید و هر کسی توان خودش را نشان می‌دهد و نشان داده که توانشچقدر است؟ به اندازه خودمان حرف بزنیم وپا را از گلیم خود بیرون نگذاریم. رفتار من نشاندهنده شخصیت من است رفتار شما نشان دهنده شخصیت شما و میزان فکرو میزان قرب و بُعد نفس و مطلب شما نسبت به واقع است که این مطلب چقدر به واقع نزدیک است؟ این مطلب چقدر به آن حقیقت نزدیک است؟ ما هم که کاه نخوردیم کاه که نخوردیم! می‌دانیم که چه خبر است؟ توجه کردید!

پس بنابراین مسئله مهم در تمام زندگی، مخصوصاً ماه رجب شعبان رمضان دراین سه ماهی که هست این است که همیشه در کنار مسائلی را که می‌شنویم شایعاتی را که می‌بینیم مطالبی را که در منزل باهاش برخورد می‌کنیم از رفیق می‌شنویم

درارتباط بادیگران با خودمان، تمام اینها رابا آن جنبه عقلانی در نظر بگیریم باآن مبانی که به ما داده شده در نظر بگیریم اگر موافق افتاد عمل بکنیم اگر موافق نیفتاد عمل نکنیم. عمل نکنیم چون در روز قیامت کسی به داد ما نمی‌رسد در همین دنیا هم کسی به داد ما نمی‌رسد توی همین دنیا حالا روز قیامت به جای خود، در همین دنیا. واقعا آدم در همین دنیا به مسائلی برخورد می‌کند! می‌گوید من بخاطر توآمدم این را انجام دادم صاف طرف در می‌آید می‌گوید می‌خواستی نکنی! این که مال این دنیا تا چه رسد به روز آخرت که در انجا یوم یفر المرء من ابیه پدر از پسر فرار می‌کند پسر از پدر فرار می‌کند و صاحبته و بنیه از زنش فرار می‌کند از فرزندانش فرار می‌کند. فرار می‌کند یعنی چی؟ یعنی فقط در آنجا به کارهای خودش دارد می‌پردازد.

یک وقتی من در یک جایی بودم، کنار خیابان ایستاده بودم، یک خانواده‌ای هم درآنجا بودند این خانواده یک بچه کوچکی در انجا داشتند من هم داشتم نگاه می‌کردم، یکدفعه کنار من تقریبا یکی

دوتا مغازه اینطرف تر، دو نفر پریدند اصلا از مغازه بیرون و گفتند بروید که الان دارد کپسول منفجر بشود حالا یک آتشی گرفته بود، که چنان این چندنفر در رفتند که بچه کوچک همینطورو ایستاده بود، مادر در رفت! من رفتم جلوی [مغازه] بچه را برداشتم بردم. مادر گذاشت بچه کوچک را! پدر بچه کوچک [را گذاشت و رفت!] بچه وایستاده بود همینطور هاج واج نگاه می‌کرد! این مال یک کپسول دنیا! یک شنیدن! اتفاقا اون هم نشد حالا خدا [حفظ] کرد ولی گفتند می‌خواست [منفجر بشود]

درروز قیامت بدتر از این چیزها، اصلا فرار است یعنی این می‌رود دنبال کارو پرونده خودش، اون می‌رود دنبال پرونده خودش، این هر چی ...! بابا این زنه می‌گوید بابا من مدتی با تو بودم کجا داری در می‌روی؟ من به خاطر تو آمدم این کارها را کردم من بخاطر تو آمدم با نامحرم حرف زدم به خاطر تو آمدم در مجالس شربت و چای به رفاقات تعارف کردم! کجا داری می‌روی؟ گفت برو می‌خواستی نکنی! خداحافظ! شوهره دارد به زن می‌گوید که من به خاطر تو آمدم مجبور شدم فرض بکنید که این کار

حرام را انجام بدهم، من بخاطر تو فرض بکنید آمدم به اینجا رفتم، من بخاطر توآمدم پا روی دینم گذاشتم، می‌خواستی نگذاری! همین! با یک راحتی می‌خواستی نگذاری، می‌خواستی نکنی، خداحافظ شما، من پرونده خودم را دارم. اون هم می‌گوید من پرونده خودم را دارم، پسر هم دارد می‌گوید من پرونده خودم را دارم عمو هم دارد، همسایه، هر کسی پرونده خودش را در آن موقع دارد.

پس آدم زرنگ اونی است که از امروز که روز چهارشنبه است به فکر باشد و الا اون روزی که بیاید، اونهایی که آدمهای خوبی هستند درنمی‌روند، اونها وایستادند. اونهایی که در می‌روند باید بروند بکارشان رسیدگی شود. پس از امروز باید بفکر باشیم ازامروز باید حواسش جمع باشد از امروز باید متوجه باشد که چه می‌کند و چه چیزی برای یوم لاینفع مالٌ و لا بنوننش بدرد می‌خورد؟ اون روزی که مال نفع نمی‌دهد امروز مال نفع می‌دهد طرف دارد حرف می‌زند فردا یک چک در خونه‌اش می‌فرستد دهن را می‌ببندد! فردا یک قواره زمین

می‌فرستد در خانه‌اش دهنش بسته می‌شود! فردا اجازه برای ترخیص یک چیزی، یک کالا، بهش داده می‌شود دهنش بسته می شود هان! بنون، بچه، فلان. امروز اینها دهنها را می‌بندد، امروز بیا برو دور آدم بیاورد، امروز آقا آقا آقا چقدر آقا آقا را در ....! فردا چی؟ اگر کوه طلا در مقابلت باشد با کوه کاه، فرقی نمی‌کند در اونجا. کوه کاه! نمی‌توانی یک دونه‌اش را برداری نمی‌توانی یک دانه‌اش را برداری حتی نگاه کنی. طلا به درد اون دنیا نمی‌خورد پول به درد اون دنیا نمی‌خورد، می‌خواهی چکار بکنی در اون دنیا؟ توجه کردید؟

باید به مسائل دنیا درامروز به دید نفع و ضرر فردا نگریست که این اموری را که الان داریم انجام می‌دهیم فردا چه نقشی ایفا می‌کند؟ الان که نقشش معلوم است، به به چه آقای خوبی است! خب این مال نقش الان است. الان نقشش معلوم است فلان حرفی که می‌زند، طرف دیگر نمی‌زند، دهنش را می‌بندد. ما راجع به ایشان اشتباه می‌کردیم، نه! ادم خوبی نه! اینطور نیست و .... تا دیروز بابا داشتی این حرفها را می‌زدی چی شد؟ با یک هدیه و تعریف

و تمجید و با یک چیز همه چیز برگشت؟ تو که تا دیروز با این کارد و پنیر بودی پس چی شد قضیه؟ هان؟ این ارتباطات امروزه را دارید می‌بینید! طرف با کارد شکم همدیگر را پاره می‌کردند امروز با هم فامیل می‌شوند با هم فامیل می‌شوند! بابا تو همین دیروزی بودی! همین دیروزی بودی! چرا با هم فامیل شدید؟ اینقدر صمیمی؟ این مال دنیا این مال دنیا! فردا چی؟

فردا چی؟ قضیه فردا چه می‌شود؟ مسئله فردا چه می‌شود؟ پس کاری بکنیم که حداقل بگوییم خدایا اگر حداقل خطا هم کردیم ولی لااقل دلی را نرنجاندیم و خیلی خراب کاری نکردیم خطا کردیم لغزش کردیم خوب لغزش مال ماست می‌خواستی ما را هم معصوم درست کنی خب نکردی دیگر، ماهمین انسان، بشر، جایز الخطایی هستیم که خودت باید ببخشی غفاریتت را برای ما بگذار رحمت و بخشش و جود و عطا راخب برای ما بگذار. اون بزرگان که راه خودشان را رفتند و به سر منزل مقصود رسیدند بالاخره یک تفاوتی .... خدا هم بزرگ است

می‌گوید عیب ندارد ما می‌بخشیم ولی یک خورده هم بیشتر حواستان را جمع کنید، یک خورده بیشتر ملاحظه داشته باشید ان‌شاءاللَه مشمول لطف و عنایت پروردگارو صاحب ولایت وصاحب نفوس قدسیه ان‌شاءاللَه خواهیم بود. ان‌شاءاللَه.

عرض کنم حالا با اینکه ظاهرا یک ساعتی شد اما یک چندتایی به این مطالب که امروز هست پاسخ بدهیم و بقیه سوالهای برای بعد.

سؤال: اننی اشکر لله فی العبادة دو مطلب در اینجا ایشان بیان کردند: اول ارتباط با پرورگار و در قلبشان ارتباط کم را احساس می‌کنند و سوال می‌کنند که من چکار کنم که این ارتباط قوی تر وبهتر بشود؟

جواب: بارها عرض کردم که مسئله به مراقبات سلوکی بر می‌گردد وهیچ راهی وجود ندارد در دنیا، از اول خلقت آدم که خیال می‌کنم این چیز باشد، از وقتی که خدا سماوات وارضین را خلق کرده تا وقتی که خدا خدایی می‌کند در قیامت و اینها، هیچ چیزی جز مراقبه انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند البته اون دنیا، عالم قیامت مسئله‌اش فرق می‌کند. دراین دنیا و هر کسی هر چیزی را گفته این بخشی از مطلب را

نقل کرده. بارها بنده گفتم ذکر نماز شب قرآن اوراد پرداختن به اینها، مجالس اعیاد ووفیات ائمه زیارات حج عمره عتبات کربلا و سایر امکان متبرکه، تمام اینها باید پس از مراقبه و بعد از مراقبه رویش حساب باز کرد بدون مراقبه فایده‌ای ندارد هر کاری انجام بدهید فایده ندارد.

مرحوم آقای حداد نقل می‌کردند خودشان برای ما نقل می‌کردند درآن سفری که بنده در هفده سالگی مشرف شدیم مکه و بعد هم به اتفاق مرحوم آقا و اون اخوی بزرگترمان که آمدیم کربلا. ایشان نقل می‌کردند فلان کس یکی از همان افرادی که مرحوم آقا در روح مجرد البته به کنایه توی روح مجرد آوردند که از مخالفین مرحوم آقای حداد بود و جلسات تشکیل می‌داد، یک سید هندی بود و خیلی با حرارت و خوش صحبت و پر جاذبه صحبت می‌کرد و طریق آقای حداد رضوان اللَه علیه را می‌کوبید و مقابله می‌کرد وافراد را جذب می‌کرد وبسیاری از افراد را با همدستی بعضی از افراد دیگر، از دور ایشان کشید در مجالس و اینها وفریب داد و

فریب داد و در تحت چیز در آورد و بنده آن زمانها را یادم است اوقات را یادم است و خوب هم یادم است قشنگ در ذهنم هست

به اتفاق یک عده آمدند بودند کربلا آقای حداد می‌گفتند ما بلند شدیم رفتیم برای دیدن اینها، البته اون زمانهایی بود که هنوز دیگر رسما جدا نشده بودند، چشمشان افتاد به یک نفر از افراد و یک اسمی دارد حالا دیگر ظاهرا فوت کرده به رحمت خدا رفته اینطور که بنده شنیدم نمی‌دانم درست است یا نه؟ علی کل حال خدا بیامرزد چشمشان افتاد به یک نفر، گفت فلانی! حالا هیچ کسی خبر ندارد، فلانی! برای چی بلند شدی آمدی زیارت؟ تو که الان عیالت حامله‌است و مریض است حالا اصلا کسی خبر ندارد که این عیالش حامله است و مریض است به کسی هم اطلاع نداده چطور تو این زن وبچه را با سه تا بچه چهارتا بچه ول کردی آمدی زیارت؟ این زیارت به چه درد تو می‌خوره؟ یکدفعه رنگ این قرمز شد! کسی اطلاع نداشت، اصلا حتی رفیقش خبر نداشت که این عیالش حامله است حتی و بعد هم الان مریض شده، بعد مریض شده و نیاز به

مراقبت و چیز دارد، کی به تو یک همچنین اجازه‌ای داد؟ حالا این سرش را انداخته پایین اون سید هندی شروع کرده، به شما چه مربوط است که دارید در کار اینها دخالت می‌کنید؟ به شما چه ربطی دارد؟ آمده که آمده خودش بهتر می‌داند وضع منزلش چطوره! ببینید فوری! چرا نمی‌خواهی حرف بشنوی؟ چرا؟ چرا وقتی یک بزرگ الان دارد نصیحت می‌کند پنبه در گوشت الان می‌خواهی بکنی؟ چرا؟ از شخصیتت کم می‌شود؟ آبرویت جلوی بقیه دارد می‌رود؟ پتته‌تان را دارد می‌ریزد رو؟ هان؟ دارد به همه نشان می‌دهد اینها همه دکان دستگاه است! دارد به همه نشان می‌دهد این هیئت‌ها، گفتم همه اینها تئاتر است گفتم اول صحبتم [که] همه اینها تئاتر است، طرف بلند شده یک عدهرا جمع کرده رفته توی حرم امیرالمونین، شعر راه انداخته، شعر، دست گذاشته عین خر نعره بکش دور حرم امیرالمومنین! برداشته شعر بخون! تو غلط می‌کنی اینطوری بروی! تو غلط می‌کنی باعث اذیت دیگران و اینها بشوی! حال پیدا کردی؟ بلند شو برو توی خونه‌ات و کاروان سرا و

توی طویله‌ات اونجا بردار اون حال را پیدا بکن نه توی حرم امیرالمومنین! عربده بکش! شور پیدا کردیم و حال پیدا کردیم و دبخون! مگر فقط حرم مال تو است؟ فقط حرم امیرالمومنین مال تواست؟ حالا توبه کله‌ات زده که اصلا کله نداری حالا آمدی اینجا پس بقیه که دارند زیارت می‌کنند دراینجا، بقیه که می‌خواهند یک توجهی پیدا بکنند، باید کجا بروند؟ توجه می‌کنید! پس این هم همان! بلند شویم برویم زیارت.

حالا طرف توی خجالت و رودربایستی این و دوستان گیر کرده، زنشوول کرده، زن حامله‌ای که اون هم مریض است ونیاز به سرپرستی و تمریض و مراقبت دارد، توجه می‌کنید، این است. هزار سال اگر عمر نوح بکند، به این نحو برود ارتباط با خدا ندارد، می‌رود کربلا برمی‌گردد خر می‌رود گاو می‌آید، این است قضیه. اول باید مراقبه داشت. اول باید به دستور عمل کرد تا کربلا هم که می‌روی کربلا بشود برایت، مرحوم آقا، ایشان هم می‌رفتند زیاد هم می‌رفتند ولی روی حساب می‌رفتند ایشان. نقل کردند خودشان، این حرفها را برای ماها زدند دیگر.

رفتند بلیط هم گرفتن، بلیط اتوبوس میهن تور، بلیط هم گرفتند، از همشیره‌شان رفتند خداحافظی کنند، گفتند آقا سید محمد حسین کجا می‌خواهی بروی؟ آخر این چه زیارتی است؟ الان زنت حمل دارد و بعد هم این بچه‌هات، نگهداری این بچه‌هایت! ما می‌دانستیم کوچیک بودیم چه آتیشی به پا می‌کردیم! وقتی پدرمان نبود چشمش را دور می‌دیدیم چه به سر مادرمان می‌آوردیم خدا رحمت کند همه را شمه‌اش را رفقا می‌دانند، ما خودمان خبر داشتیم چکار می‌کردیم، بااین بچه‌ها و فلان کجا می‌خواهی بروی؟ نشست یکخورده فکر کرد، گفت راست می‌گویی بلند شد از همانجا رفت بلیط را پس داد و اون سال یعنی تا اون شش ماه بعد اون سال، از زیارت استادش محروم شد ولی با اون نرفتن بیش از آن مقدار که اگر می‌رفت بهش دادند. اگر می‌رفت اونقدر بهش نمی‌دادن که با این نرفتن بدست آورد خوب اینها را برای ما گفتند دیگر باید مراقبه باشد بدون مراقبه زیارت فایده‌ای ندارد باید مراقبه باشد وقتی ما که می‌گوییم مراقبه یعنی در طول منزل باید

مراقبه داشت باید مواظب چشم بود مواظب گوش بود مواظب زبان بود انسان به هر چیزی نمی‌تواند نگاه کند وقتش را به نگاه کردن و شنیدن خیلی از چیزها نباید تلف بکند با هر کسی نباید صحبت کند به هر کسی نباید تلفن بزند هر کسی را در منزل خودش نباید راه بدهد دل به کسی نباید بسپارد بلکه باافرادی که برای او مفید باشند اورا به راه خدا ببرند غیبت نباید در مجلس باشد تهمت نباید باشد از حرفهای دنیا و اینها. خب ما اینهارا انجام می‌دهیم بعد می‌گویم ارتباطمان کم است، بله! همان مقدارش هم زیادی است اصلا نباید ارتباط داشته باشد ولی اگر نه! مراقبه داشته باشد آنچه را که گفتند عمل بکنیم ارتباط هست هیچ برو برگردی هم ندارد.

راجع به مسئله دوم هم فرمودند در مجالس ائمه بعضی از مسائلی هست که اینها ممکن است همراه با رقص وامثال ذالک باشد، مناسبتهایی که هست. بنده هم عرض کردم که در مناسباتی که مربوط به ائمه است باید انسان مراعات بکند و خدای نکرده جنبه توهین نباید داشته باشد. این مجالس، مجالس ائمه، فرق می‌کند با مجالسی که برای عیدالزهرا و ...

است. رعایت مجالس ائمه لازم است.

سؤال: چه کنیم که از دست این تخیالات و توهمات که ذهنمان را خسته و نحیف کرده است و تمام آرامش و حضور قلبمان را گرفته است در امان بمانیم؟ خب پاسخ را بنده دادم. هرچقدر هم که می‌خواهیم مراقبه کنیم وسکوت اختیار کنیم فکرمان را به این طرف و آنطرف نبریم باز نمی‌شود و مانند یک بیماری به جانمان افتاده و دارد ما رااز پا در می‌آورد؟

جواب: پاسخ همین است ومطلب غیر از این نیست. انسان می‌تواند انجام دهد. یک وقتی بنده رفته بودم یک منزلی و بعد آن صاحب منزل، اون مخدره آمده بود خلاصه شکایت می‌کرد که آقا من حالم این است من حالم این است! من توی صحبتهایش دنبال یک چیزی می‌گشتم که چیکار دارد می‌کند که این الان این طور می‌گوید؟ یکدفعه خودش گفت که آره فلان کار را انجام می‌دهیم، همانجا مچش را گرفتم که چرا این کاررا می‌کنی؟ اتفاقا اومد هی در برود، گفتم وایساوایسا وایسا قضیه

است همین جا است. این را نباید شما انجام بدهی دیدم خیلی برایش مشکل است، گفتم باشه این را انجام بده توقع بهبودی هم نداشته باش! ایراد شما این است! توجه کردید! ما آنجا را که ایراد وارد است می‌گذاریم پشت ولای پرده‌ها، نمی‌آوریم جلو، مسائل دیگر را می‌آوریم، می‌گویم آقا چرا اینطوری می‌شود؟ چرا اونجوری می‌شویم؟ اون مسائل اصلی را بیاور بیرون، اون رو بیار بگذار جلو، بقیه مطالب حل است و هر کسی بهتر می‌تواند و اگر کسی همصادق باشد خدا به او نشان می‌دهد وراه رااز چاه به او می‌نمایاند و نقطه‌های ضعف رابه او می‌نمایاند

سؤال: آیا پوشیدن لباس آستین کوتاه برای زن کراهت دارد؟

جواب: بله لباس آستین کوتاه کراهت دارد اما این نه به این معنایی است که در هیچ جا و در هیچ موقع و در هیچ شرایطی، نه. بخواهد به طور معمول لباس آستین بپوشد، بطور معمول و متعارف این کراهت دارد اما خب بالاخره شرایط هم بایستی در نظر گرفته بشود وهر جا مقتضای خودش هست

سؤال: خانواده‌ام اهل شهرستان دیگر می‌باشند و

همسرم به علت داشتن درس نمی‌تواند که زیاد به مسافرت برود و او به من می‌گوید که شما به علت دلتنگی که از خانواده‌ات داری برو چندروزی آنجا پیش آنها ولی من به علت اینکه خودم را موظف می‌دانم که باید نیازهای شوهرم را برآورده کنم نمی‌روم آیااین کار من صحیح است یاباید به حرف شوهرم گوش کنم و بروم؟

جواب: البته شوهر هم نمی‌تواند الزام کند زن را که حتماً برود. این مسئله برمی‌گردد به مسئله صله رحم واگر خود شوهر اجازه می‌دهد برای صله رحم ایراد ندارد که انسان برود و پدرو مادر راهم ببیند و صله رحم را انجام بدهد. همیشه کار برعکس است یعنی فرض کنید که یک شخص می‌خواهد برود شوهر مانع بشود، آنجا سوال می‌کنند که مثلًا وظیفه ما چیه؟ ولی وقتی خود شوهر می‌گوید برو در آنجا، این ایراد ندارد البته خب می‌تواند کمتر بماند که جمع بین حقوق بشودو هردو قضیه انجام بشود

سؤال: وقتی که به مهمانی می‌رویم ویا مهمان به منزل می‌آید چگونه باید سکوت اختیار کنیم که به

آن افراد بی‌احترامی نشود وناراحتی پیش نیاید؟ زیرا وقتی سکوت می کنیم متوجه می‌شویم که افراد ناراحت شدند این ناراحتی باعث کدورت بین آنها می‌شود در مقابل این کدورت وظیفه ما چیست؟

جواب: ببینید بنده عرض نکردم که سکوت بکنید. بنده عرض کردم که انسان نباید خودش را قاطی بکند با مهمان، و مهمان به هر جایی که می‌رود این هم برود، اون هم بگوید این هم بگوید، فرض کنید که با هم دیگر شروع بکنند یکدفعه ببیند سراز کجا درآوردند؟ چه بود؟ چه شد؟ توجه می‌کنید؟ نه! اینکه دارد مهمان صحبت می‌کند تا می‌بیند که صحبتها می‌خواهد به انحراف برود حرف رابرگرداند به یک جای دیگر، فلان کس را دیدی؟ چه خبر است؟ نگذارد صحبت از یک محیط به یک فضای گناه کشیده بشود این منظور بنده است یا اینکه اونقدر صحبت بشود که خود طرف هم تمایل پیدا بکند به این حرفهای عادی و یا حتی حرفهای بی ربط بزند. در حدودی که پاسخ بدهد، نه آن مقداری که شخص را تشویق کند به زیاد صحبت کردن، این غلط است و نه اونقدر کم صحبت بکند که این یک

توهین تلقی بشود. گاهی اوقات اتفاق می‌افتد برای آدم. آدم هر چه به طرف می‌گوید، بله، نه، شاید، باید، این یکخورده همچین یک چیزییش می‌شود دیگر، حالا دیگر طرف خیلی ضعف پیدا کرده که نمی‌تواند حالا دو جمله بگوید. این به این کیفیت، هر دو غلط است یعنی هم جنبه افراط هم جنبه تفریط، بودن و نبودن، هم با آنها انسان باشد و هم هضم نشنود

سؤال: اطاعت زن از شوهر تا چه حد باید باشد؟

بنده بارها راجع به این قضیه صحبت کردم ولی باز سوال می‌شود و همچنین در زمینه تمکین شوهر از زن و تمکین و کراهت بر تکلیف مسائله خاصه. راجع به مسئله حرام، زن نمی‌تواند اطاعت از شوهر کند واینطور نیست که تصور کنیم، فرض کنید روزه که واجب است شوهر زن رامجبور کند که بخورد، در حالی که روزه برای او واجب است، حالا روزه قضا گرفته و نمی‌تواند روزه را بخورد و یا در روز ماه مبارک رمضان، بعضی‌ها هستند که موالاتی ندارند توجهی ندارد زن نمی‌تواند اطاعت کند حالا

اگر به زور روزه‌اش را باطل کرد گناهی بر او نیست که حالا چیزی به او بخوراند که حتما روزه‌اش [را باطل کند.] بطور کلی در مسائلی که آن مسائل حرام است، درآن مسائل اطاعت حرام است و نباید در آنجا انجام بشود

سؤال: در مورد غیبت، اگر می‌شود توضیح دهید اصلا به چه غیبت می‌گویند و باید چکار بکینم مخصوصا وقتی که مجبور هستیم در کنار کسانی که غیبت می‌کنند بنشینیم؟

جواب: غیبت عبارت است ذکر اخیک بما یکره شما کلامی از شخصی بگویید که اگر به گوش او برسد، ناراحت بشود. این را می‌گویند غیبت. ناراحت بشود خوب طبعا از کلامی ناراحت می‌شود که دوست ندارد افشا بشود، انسان یک وقت خوبی یک شخصی را می‌گوید و یک وقت یک کاری را انجام داده و کسی مطلع نیست که این کار راانجام داده، خب انسان به چه حقی می‌آید کاری را که این انجام داده و دیگری مطلع نیست می‌آید فاش می‌کند یا اینکه کاری را انجام داده و بعضی [هم] مطلع هستند نه اینکه نیستند و انسان بیاید هی این را بازگو

کند خب حالا اگر خلاف هست یک وقتی خلاف انجام شده و رفته و کم کم انسان اسمی نیاورد فراموش می‌شود هی بازگو کردنورو کردن، این امر خلاف است بله یک وقت یک کسی یک کاری می‌کند در علن، کارش علن است، همه می‌دانند همه دنیا می‌دانند پس ناراحت هم نمی‌شوی دیگر، خودت داری این کار خلاف راانجام می‌دهی خودت داری این امر حرام راانجام می‌دهی و همه هم می‌دانند، بیخود ناراحت می‌شوی، این را غیبت نمی‌گویند.

غیبت را به این می‌گویند که شخص یک کاری کرده و از آن کار خودش هم ناراحت است و بعد برای افشای آن هم نگران است حالا یااصلا افشا نشده ویا افشا شده ولی در یک محدوده‌ای قرار گرفته خیلی دیگر وسعت پیدا نکرده است که دراینگونه امور انسان نباید انجام بدهد.

مرحوم آقای انصاری رضوان اللَه علیه می‌فرمودند که در بعضی از اوقات گرچه حتی غیبت اشکال ندارد یعنی انسان مطلب را بازگو کند برای

افراد و مشخص است ولی واجب هم که نیست، دلیل ندارد که انسان بیاید یک چیزی را که واجب نیست و بلکه حالا نگفتنش هم حتی بهتر است گرچه می‌تواند بگوید. علی کل حال این مسئله مربوط به غیبت است

سؤال: من در سن پانزده شانزده سالگی دچار بیماری زخم روده شدم وچندین سال منع شده بودم از روزه گرفتن، دکتر منع کرده بود اما حالا که شکر خدا خوب شدم باید روزه‌های دو سه سال که تحت مداوابودم را بگیرم یا کفاره آنها را [بدهم]؟

جواب: همان کفاره‌اش را بدهند. به جای هرروز یک نفر را سیر کند [با] غذای متوسط، این کفاره حساب می‌شود. حالا در وسعت هم اگر می‌تواند این روزه‌هایی را که [نگرفته] قضایش را بجا بیاورد منتهی لازم نیست تعجیل داشته باشد، سر فرصت.

دوم اینکه چند روز دیگر عازم مکه و مدینه هستم دستور خاصی دارید؟

جواب: بنده مطالبی را که راجع به مکه و مدینه هست چه عمره چه حج، عرض کردم هم نوارش هست و هم در نوشته، دوستان پیاده کردن، آنها را

مطالعه کنند.

سؤال: خواهش می‌کنم بیشتر جلسات برگزار شود خانمها به صحبتهای شما احتیاج دارند چرااینقدر کم جلسه می‌گذارید؟

جواب: ان‌شاءاللَه امیدواریم این جلسات بیشتر باشد و خود ما هم بیشتر بتوانیم از حضوردوستان بهرمند بشویم

سؤال: با توجه به اینکه جزء جزء کردن قرآن حرام است آیااین آیه‌های قران که دورتادور اتاق می‌نویسند و تابلوهای آیة الکرسی می‌نویسند ایراد ندارد؟

جواب: آن مسئله جزء جزء کردن اولًا حرام نیست بلکه خوب نیست نه اینکه حرام است و بعد هم اینها فرق می‌کند فرض کنید دراینجا ما آیه نور را گفتیم بنویسند، این غیر از جزء جزء کردن قرآن است. جز جز کردن به معنای حزب حزب کردن، تیکه تیکه کردن قرآن است اما انتشار خود این آیات قران و اینها که ایراد ندارد. در همان زمان سابق که قران همه یک تیکه نبود، هر کدام روی یک جلد بود

اون روی جلد بود اون روی پوست آهو بود اون روی کتف یک تیکه استخوان بود این‌ها پراکنده بود این‌ها را کم کم جمع کردند و به صورت قرآن درآوردند و الان به این کیفیت دراوراق است حتی در زمانهای خیلی گذشته که اون موقع کاغذ نبوده و اینها، اونها اصلا از اینطرف و اونطرف جمع می‌کردند ویک قرآن فرض کنید این مقدار حجمش بود وبه این کیفیت نبود. در زمان خلفا، در زمان عثمان که آمدند جمع کردند قرآن را، در آنجا آمدند یک کاغذهایی درست کردند و همه قرآن را در آن کاغذهایی که تخمیر می‌کردندو با یک کیفیت خاصی گرد آوردند و در آن زمان هم از این نقطه نظر میگفتند قرآن تیکه تیکه نشود تا دوباره مشمول تفرق نشود ولی اگر فرض کیند همینها در یک جا باشند یعنی قرآن جزء جزءاست ولی در یک جا هستند در یک جلد هستند دراینجا اون مسئله شامل این قضیه نمی شود. پس بنابراین اولًا کراهت دارد جز جز کردن قرآن نه اینکه حرام است. دوم، نوشتن قرآن در تابلوها آیة الکرسی آیه نور و سایر آیات به یک نحو چه اشکالی دارد که انسان این آیات در جلوی

چشمش باشد و هرروز چشمش به این آیات بیفتد و تذکر داده بشود. منازل بزرگان واولیاء خدا هم همیشه مشحون و مملو ازاین مطالب بوده.

سؤال: نظر جنابعالی در مورد کتاب طالع بینی چیست؟ آیا نوشته آنها صحیح است؟

جواب: بنده یک همچنین چیزهایی را ندیدم و اکثر این مطالب هم در تخیلات است و تصویرهایی که در نفس خود آن شخص می‌گذرد و صحت ندارد. برای خود بنده هم اتفاق افتاده که افرادی که خیلی حتی نسبت به این قضیه احساس خبرویت می‌کردند مطالب اشتباهی راجع به خود بنده گفتند. لذا به این مسائل اصلا نباید توجه بکند انسان و سالک بطور کلی خلاف سلوک است که توجه خود را به این مطالب بیندازد

سؤال: خانمها بعد از زایمان که استحاضه می‌شوند از کجا باید بدانیم [که] از کدام نوع استحاضه است، استحاضه قلیله یا کثیره یا امثال ذالک

جواب: عرض کنم راجع به این قضیه که خب

خود خانمها بهتر می‌دانند که به چه کیفیتی است و احکامش هم در آنجا بیان شده. مسئله استحاضه در زایمان با استحاضه در سایر موراد تفاوتی ندارد. اون حکمی که برای غیر از اون زمان هست همان حکم هم برای این مورد جاری است

سؤال: تکلیف روزه خانمها در ماه رمضان چه می‌شود؟ مثلا من بادوسال بچه شیر دادن نتوانستم روزه بگیرم بعد از این دوسال باید کدام سال را [اول بگیرم؟]

جواب: خب طبعا مشخص است پاسخ دادم. اگر انسان می‌تواند، خود شخص وسعت دارد چون مسئله کفاره بر عهده شوهر نیست بلکه خود زن اگر قدرت مالی دارد باید کفاره به ازای هر یک روزه، یک نفر سیر کردن یک فقیر باید بپردازد ودر طول مدت اگر کم کم می‌تواند آن قضاها را بجا بیاورد اگر قضا را هم نمی‌تواند بجا بیاورد قضا هم از ضمه‌اش برداشته می‌شود و هر چه هم بگذرد اشکال ندارد

سؤال: در یکی از روزهای رمضان روزه‌ام با مشکل مواجه شدبطوری که باید کفاره پرداخت میکردم شوهرم یادش رفت که کفاره بدهد. چون من

نمی‌خواستم کفاره شامل حالم بشود انگشتری که داشتم با خود گفتم می‌فروشم ومقدار کفاره را پرداخت می‌کنم با توجه به بضاعت شوهرم آیا هر وقت که فروختم می‌توانمکفاره آن را پرداخت کنم یا نه؟

جواب: همان طوری که گفتم هر کسی کفاره بر عهده خود اوست، به هر حال اگر شوهر متقبل بشود ایراد ندارد واگر نه، آن شخص خودش باید که متقبل این مسئله بشود

سؤال: آیا حلقه هم جزو انگشتری حساب می‌شود که نباید در دست چپ کرد؟

جواب: بله، حلقه هم همان انگشتر است و تفاوتی ندارد. البته بهتر است که به جای حلقه، انگشتر در دست کند چون حلقه از سنتهای غربی است و قبلًا نبوده. آنچه که قبلًا بوده در اسلام ودر بین مردم، انگشتر بوده. حلقه از غرب آمده از فرنگ آمده.

سؤال: با توجه به مطالب شما در مورد سفر معنوی حج که انسان باید در این سفر معنوی هر بار

حالی به او دست داد به دیگر امور و افراد توجه نداشته باشد جمع بین حال خود و امر شوهر یا امور بچه و سایر افراد کاروان مثلا دوستان، فامیل که به ما احتیاج دارند چگونه است؟

جواب: این را هم [بدانید] که همیشه منظور از صحبتها، راه میانه است نه راه افراط و تفریط حالا یک کسی که می‌خواهد برود حج مثل مربای آلو برود یک گوشه بنشیند وکله‌اش را بیندازد پایین و فرض کنید که دیگه به کسی اعتنا نکند این هم خلاف است. در حج اتفاقا در روایت داریم که انسان باید با همه بگوید بخندند مزاح کند مزاح کند با اطرافیان. در سفر بایستی که همه را شاد کند این خصوصیاتی است که در سفر حج بیان شده و حتی در مخارج و اینها بایستی که توسعه بدهد و نبایستی که امساک کند نسبت به اطرافیان، آنهایی که هستند و خلاصه یک سفر معنوی است که این سفر معنوی باید همراه با توجه باشد وعزلت گزیدن و دیگران را به حساب نیاوردن، اینها منافات بااین مطلب دارد. حال خودش را انسان داشته باشد در عین حال، حال دیگران را هم ملاحظه کند

سؤال: چگونه می‌توانیم در مواقع مختلف، طواف، دعا، حواس خود را جمع کرده و از صور فارغ شویم، فقط توجه مان به خداوند باشد

جواب: انسان می‌تواند با مراقبه و تمرین که در توجه نفس گفته می‌شود این مسائل را بدست بیاورد. انسان درتمرینهایی که می‌کند، خیلی‌ها به این مسائل توصیه‌هایی می کردند ده دقیقه یک ربع در طول شبانه روز توجه به نفس، نفی خواطر البته نفی خواطر فرق می‌کند با توجه به نفس، انسان خاطرات رااز ذهن خودش دور می‌کند، بعد از یک مدت بر خاطرات غلبه می‌کند و می‌تواند دیگر خاطره‌ای را در خودشراه ندهد ودیگر اینکه انچه را که ایجاد خاطره در نفس می‌کند آنرا انسان انجام ندهد، توجه به اخبار خاطره را زیاد می‌کند توجه به تلویزیون و فیلم وامثال ذالک ایجاد خاطره می‌کند و توهمات وتخیلات را در انسان زیاد می‌کند و انسان را در جزئیت نگه می‌دارد. توجه کردید! عرض کردم با یک دست دوتا هندوانه نمی‌شود برداشت، انسان اگر بخواهد راه صحیح و راه تجرد را برود باید هم بستر

را آماده کند و هم موانع را بردارد، هردو، این قضیه باید در هر دو طریق انجام بشود

سؤال: اگر افراد حقی به گردن ما داشته باشند مثلا شب غیبت آنها را کرده باشیم برای سفر حج لازم است که از همه آنها حلایت طلب کنیم؟ اگر نتوانستیم اعمال ما چگونه است؟

جواب: اگر بگوشش نرسیده که انسان لازم نیست برود وبگوید وحلالیت بطلبد. اگر بگوش اون شخص رسیده پس بهتر این است که این مطلب راانجام بدهد

سؤال: دختر من علاقه زیادی به عروسک دارد بخصوص اینکه همه بچه‌ها عروسک دارند. با توجه به مطلب [شما] درمورد عروسک، ما چه کنیم که بچه را در این زمینه قانع کنیم؟

جواب: ببینید چون که با کودک سروکارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد وقتی که انسان نمی‌تواند و مانعی دارد با این قضیه، باید با وسائل دیگر با اسباب دیگر بتواند جای گزینی برای او پیدا کند

سؤال: شاخص برای اعتدال چیست؟ از کجا بدانیم که در قضایا واموراتی که در پیش گرفته‌ایم در

راه اعتدال حرکت می‌کنیم؟

جواب: این مسئله به تجربه و شناخت خود انسان برمی‌گردد. بنده عرض نمی‌کنم اگر کسی راه اعتدال را برود دیگر معصوم است. هر شخصی به همان میزانی که فهم دارد خودش را گول نزند توجه کردید خودش راگول نزند بین خود و بین خدا فرض کند راجع به دیگری می‌خواهد قضاوت کند، همان را راجع به خودش انجام دهد. این شاخص اعتدال است. اگر اومدند ازانسان سوال کردند آقا راجع به این قضیه چه کنیم؟ ما چه می‌گوییم؟ می‌گوییم آقا این کار را بکن همان کار را راجع به خودمان بکنیم. اگر این کاررا کردیم نزدیکتر هستیم و کم کم فکر ما برای رسیدن به مطلب بازتر می‌شود

سؤال: خانمهایی که موهای خود را مانند کوهان شتر می‌بندند و از پشت چادر اینطور بنظر می‌رسند چه حکمی دارند؟

جواب: صحیح نیست هرکاری زن انجام بدهد که توجه مرد را جلب کند اشکال دارد

سؤال: جمعی از رفقا عازم سفر عمره هستند

لطفابرای استفاده انها توصیه بفرمایید

جواب: عرض کردم که چه باید کرد

سؤال: ارتباط دختران و پسران رفقا که زیر هفت سال دارند چگونه باید باشد که موافق با مرام و سلوک باشد

جواب: نسبت به ارتباطات باید نظارتی باشد و همینطور طبعا باید به همان اندازه مراعات برای حفظ و حجاب باشد البته باید خوب دقت کرد وافراد باید در این ارتباطات و بازی‌ها و این حرفها مراقبتداشته باشند

سؤال: فرستادن بچه‌ها به پیش دبستانی واموزش آنها قبل از آن صحیح است یا نه؟

جواب: اشکالی ندارد البته پیش دبستانی که موسیقی نزند و رعایت موازین را داشته باشد چون در همان موقع بچه شکل می‌گیرد

سؤال: برای استفاده بهتر از اوقات و توسعه وقت ما مادران که چند فرزند داریم معمولًا فرصت برای انجام فرائض و نوافل پیش نمی‌آید

جواب: شما می‌توانید مطالعه کنید، می‌توانید از این نوارها استفاده کنید، ازاین کتابهایی که الان

درآمده و دوستان پخش کردند همراه باهاش این نوار صوتی‌اش را آوردند. ما برای همین، اینها را گفتیم انجام بدهند. فرض کنید یک مادر در منزل است و الان کار دارد بجای اینکه فرض کنید یکساعت وقتش بگذرد خب این یکساعتش را استفاده کند، یک تیر دونشان می‌زند، هم دارد کارش را انجام می‌دهد و هم اینکه در یک وسیله‌ای این را می‌گذارد و گوش می‌دهد. خود بنده بسیار از این فرصتها استفاده کردم. بطوری که هیچ از عمر خودم تلف شده نمی‌دانم. این برای همین قضیه است. فرض کنید یک شخصی دارد از اینجا می‌رود مسافرت دارد می‌رود توی ماشین نشسته، خب نمی‌شود که توی ماشین مطالعه کرد اما اگر همان موقع گوش بدهد یک کتابی را که به چیز صوتی در آمده یکدفعه می‌بیند در عرض این مسافرت نصف یک کتاب را خواند نصف کتاب را خواند، یعنیانگار نه انگار مسافرت کرده، انگار درخانه نشسته و یک کتاب را مطالعه کرده حتی گاهی از اوقات می‌شود که شنیدن تاثیرش از مطالعه بیشتر است. از اینگونه موارد انسان

خیلی می‌تواند استفاده کند. ما برای همین این چیزها را قرار دادیم و گفتیم که این مطالب و این کتب به این کیفیت در بیاید.

سؤال: توضیح در مورد چگونگی تربیت نفس

جواب: تربیت نفس فقط براساس مراقبه است. انسان سرخود نمی‌تواند چیزی را انجام دهد اونی را که به او گفته می‌شود در مورد کارها و مبانی بزرگان همان را انسان انجام بدهد و برای تربیت نفس انسان باید یک کاری را که ساده است، البته بنده راههای سخت را مطرح نمی‌کنم، یک راه ساده ساده و اون همانی را که بنده عرض کردم، انسان همیشه خودش را جای بقیه بگذارد و بقیه را جای خودش بگذارد، توجه کردید، مثلا راجع به یک جایی دعوت شده نگاه کند برود یا نرود؟ این همچین با صاحب خانه میانه خوبی ندارد، می‌گوید بروم یا نروم؟ می‌گوید نه من کار دارم، دارد دروغ می‌گوید. ولی اگر برود چقدر برایش خوب است. دیگری را جای خودش بگذارد اگر کس دیگری ازش سوال کند چه جوابی می‌دهد؟ همین جواب را می‌دهد؟ نه! نروی ها! بشین توی خانه‌ات، بهانه در بیاور حالا جلوش بهانه

بیار بگو دلم درد می‌کند توجه می‌کنید! یااینکه نه! حالا چه اشکالی داردبرو یک سلامی هم بهش بکن، توجه می‌کنید، برود.

اینی را که بنده عرض می‌کنم این را در طول زندگی خودم درمورد مرحوم آقا دیدم وکاملا آن مطالب زیر ذره بین و زیر نظر بنده هست که چگونه، چه رفتاری می‌کردند با اخلاق خودشان. آنها مطالبی بود کارساز، آنها مسائلی بود که انسان را جلو می‌برد. یک رفتن این چنینی ممکناست هزار سجده یونسیه به پایش نرسد [از نظر] تاثیری که این ایجاد می‌کند. پس برای تربیت نفس انسان یک معیار در نظر بگیرد، دیگری را جای خودش بگذارد بعد ببیند که به دیگری چه پیشنهادی می کند، این همان را انجام دهد

سؤال: چگونه می‌شود از وظایف به طور خوب استفاده کرد و بهره برد و نحوی خوب انجام دادن آن

جواب: خوب انسان باید وظیفه را خوب انجام بدهد نیتش خالص باشد صادق باشد و برای خدا هم انجام دهد و خدا هم طبعاً آن آثارش را مترتب

می‌کند

سؤال: کسی که دارای مقداری ارثیه فامیلی است آیا می‌توان آن را در بانک گذاشت و سود آن را برای مایحتاج زندگی استفاده کرد از نظر سلوکی و اخلاقی توضیح دهید

جواب: بنده نسبت به این اموری که در بانک هست نمی‌توانم هم نسبت به همه آنها بگویم که ایراد دارد و هم نسبت به همه آنهابگویم که بی ایراد است واشکالی ندارد اگر معامله‌ای که انجام می شود معامله شرعی باشد و اصول شرع در آن رعایت شده باشداشکال ندارد در غیر این صورت اشکال دارد. در هر حال بهتر است که انسان از باب احتیاط یک پنجم آنچه را که به دست می‌آورد به فقیر بپردازد

سؤال: با توجه به اینکه امام قلب عالم امکان است و هیچ امری در عالم بدون اذن ایشان صورت نمی‌گیرد و با توجه به اینکه در سخنرانی‌ها شما فرمودید که امام هم از حضرت زهرا سلام اللَه عیلها اذن می‌گیرند آیا قضیه امتحان شدن حضرت زهرا قبل از خلقتشان به قضیه عاشورا مربوط می‌شود؟ و دیگر اینکه چرا حضرت ابراهیم علیه السلام در زمان

آخر عمر که عزائیل برای گرفتن جانشان از طرف پروردگار آمد امتناع ورزیدند وگفتند آیا عاشق جان معشوق را می‌گیرد؟

جواب: عرض کنم حضورتان که راجع به قضیه اول، اونی که بنده عرض کردم این بود که حضرت زهرا سلام اللَه علیها مبدا و سرچشمه نزول فیض به همه ائمه علیه السلام است از امیرالمومنین به بعد یعنی امام حسن و امام حسین علیهماالسلام تا امام زمان حضرت بقیه اللَه ارواحنا فداه سر چشمه نزول فیض به ائمه، مادرشان حضرت زهرا است، البته از جنبه انفعالی و از جنبه فعلی هم پدرشان امیرالمومنین علیه‌السلام و این دو جنبه است که موجب می‌شود که امام بتواند واسطه بین پروردگار و بین ماسوی اللَه شود یعنی دو جنبه در امام علیه‌السلام باید باشد یکی جنبه فعلی که بتواند اعمال رویه و قدرت و تقدیر کند دوم جنبه انفعالی که بتواند آن تقدیر را در مظاهر مختلف به اعتدال دربیاورد وقبول کند.

امام علیه‌السلام از این نقطه نظر از این جنبه که

می‌تواند ظهور بدهد و ابراز کند حقیقت و تقدیر را، در این صورت از مادرشان حضرت زهرا سلام اللَه علیها این فیض را گرفته است پس بنابراین تنها قضیه حضرت زهرا نیست بلکه حضرت از نقطه نظر نفس مطهرشان یکی از دو رکن تشکیل دهنده ولایت در عالم وجود است. یکی آن حضرت و یکی هم شوهرشان امیرالمومنین علیه السلام، این دو جهت است که این باعث شده است ائمه ما علیه‌السلام بتوانند واسطه بین مقام احدیت و مقام واحدیت که مقام نزول و بروز اسما و صفات کلیه است باشند، ازاین نقطه نظر این مسئله مربوط به حضرت زهرا.

اما اینی که فرمودند که امتحان مربوط به روز عاشورا و این حرفها، این مربوط به کل عوالم وجود است نه اینکه مربوط به روز عاشورا. تمام قضایایی که در عالم وجود اتفاق افتاده و اتفاق می‌افتد این از نفس مطهر حضرت زهرا رد شده و ایشان همه اینها را تحمل کرده، قضیه عاشورا یکی از اونهاست. تمام حوادث و بروزات در عالم وجود از آن نفس حضرت زهرا سلام اللَه علیها شکل گرفته و بااین تحمل است که آن حضرت به آن مقام خاصی رسیده

است که برای ما قابل درک نیست. نمی‌توانیم ما این مسئله را درک کنیم و چون نمی‌توانیم که یک همچنین موقعیتی را که نیاز به شهود دارد و نیاز به حضور عینی دارد، ما این مطالب درک کنیم. آنچه را که بنده عرض می‌کنم مطالبی است که از بزرگان شنیدم و آنهایی که خودشان تا حدودی به این مطالب دست رسی پیدا کرده‌اند

اما قضیه‌ای که مربوط به حضرت ابراهیم باشد، حضرت ابراهیم در انجا که این مطلب را به حضرت عزرائیل گفته، خب شاید شکایت نبوده، فرض بکنید شاید حضرت عزائیل آمده اینطور پیشنهاد کرده و حضرت ابراهیم آمده این را در باب این مقام چیز بیان می‌کند، خلاصه آن سِرّو رمز و رازی که بین محب و محبوبو بین عاشق و معشوق است بیان می‌کند نه اینکه نخواهد عبور کندو نخواهد برود یعنی درواقع دارداین را می‌گوید که حالا حتما باید جان گرفته بشود؟ مگر بدون جان گرفتن نمی‌شود این قضیه انجام بشود؟ این یک حالاتی است که بین محب و محبوب گاهی اتفاق می‌افتد و این حکایت

از گلایه ندارد واین خلاصه می‌خواهد بالاخره حالا یک حرفی زده باشد با آن محبوب خودش چطور اینکه درباره حضرت موسی این چنین فرمودند

سؤال: در سی دی برای طلاب فرموده‌اید که کتاب تاریخ بخوانید اما نه هر کتاب تاریخی، آن کتابها [را بیان کنید]

جواب: عرض کنم که کتابهای تاریخ زیاد است کتابهایی است که مربوط به تواریخ مختلف است که از مجموع تواریخ مختلف انسان می‌تواند به آن تاریخ اصیل پی ببرد. تاریخ یکی تاریخ ناسخ التواریخ است خیلی مفصل است، تاریخ روضة الصفا است تاریخ ابن هشام است تاریخ طبری و اینگونه تواریخ. از مجموع آنها انسان به آنچهرا که هست می‌رسد اینطور نیست که آنچه که دراین تاریخ هاست صحیح است و هرچه را که هست غلط است، انسان وقتی یک مطلب تاریخی را می‌خواند با سایر مطالب باید مقایسه کند تا تشخیص دهد که کدام مطلب به واقع نزدیکتر است

سؤال: بنده از سن تکلیف تا شانزده سالگی به دلیل بی‌اطلاعی تکبیر نماز را نمی گفتم که جزو

ارکان نمازاست حال باید تمام نمازهایی را که خواندم دوباره بجا آورم یااینکه مشکل ندارد

جواب: البته اگر تکبیر انسان نگفته حالا تکبیر جزو نماز هست و حالا کم کم، یواش یواش، در طول یکسال دوسال آن نمازها را که به ان کیفیت خوانده حالا عجله‌ای برای دوباره خوانی‌اش نیست بخواند البته سر فرصت و بدون عجله

خوب عرض کنم حضورتان که اینها مطالبی بود که خدمت رفقا عرض کردیم. ان شاءاللَه که این مطالب دیگر هم در جلسه آینده به حول و قوه الهی خدمت رفقا عرض بشود یادر جای دیگر، در جلسه دیگر. علی کل حال ان شاءاللَه که دراین ماههای متبرکه، خداوند ما را بیشتر از نعمتهایش بهره‌مند کند، فهم و فکر ما را نسبت به وظایف خودمان بازکند و در این ایام، دراین زمانها، در این مطالبی که همیشه بوده و همیشه دغدغه بزرگان بوده، ذهن و فکر و قلب مارا از آن مقصد و هدف اصلی به این مسائل جانبی منحرف نکند. دراین ماهها به جای اینکه انسان باید مرقبه‌اش بیشتر باشد فکرو ذکرش

به خدا بیشتر باشد، بیاید در این اموری که خودتان دارید می‌بینید سروته یک کرباس هم نمی‌ارزد ها! در اینگونه مسائل و این ازاین بگوید این ازاون بگوید اوه اوه توجه می‌کنید

سر به سجده شکر بگذاریم و نسبت به آنچه که به ما فرموده‌اند بزرگان تا قیامت شکر کنیم کم کردیم که چطور ما را متوجه کردن، چطور نسبت به حقایق فکر مارا باز کردند اگر اینکار را نمی‌کردند ما کجا بودیم؟ ما هم همینجاها بودیم دیگر، در همین وادی‌ها سیر می‌کردیم، ازاین بگوییم از اون بگوییم این را بگیریم یادداشت کنیم برای روز مبادا، از اون یک چیز بگیرم یادداشت کنیم، مسائلی که وقتی که خوب نگاه می‌کنیم می‌بینیم غیر از دنیا و غیر از هوا و غیر از تعلقات و کثرات هیچ ما حصلی برای انسان ندارد.

خدا ما را حفظ کند و ازاین توهمات و تخیلات بیرون بیاورد و بدانیم که ماه رجب بالاتر از این حرفهاست، نبازیم و این ایام را از دست ندهیم. از کجا بدانیم که تا سال دیگر زنده باشیم و تا سال دیگر دوباره از این بازی‌ها نباشد؟ همین مسائل همین

مسائل نباشد.

عرض کردم، چند روز پیش بود، نمی‌دانم در کدام جلسه بود که عرض کردم. در یکی از این سفرهایی که ما حج مشرف شده بودیم خب روز عرفه بود حالا خیر سرمان می‌خواستیم یک توجهی داشته باشیم، بالاخره در تمام سال مگر چندتا روز عرفه ما داریم و چقدر توفیق داریم که به یک همچنین سرزمینی بیاییم؟ مگر چقدرتوفیق داریم؟ حالا خدا توفیق داده آمدیم، یکدفعه بیایند شروع بشود به یک حرفهایی شعارها و مسائلی ...! اصلا به کل، به کل حال آدم را بگیرند و ببرند با خودشان! بله! چقدرواقعا انسان می‌سوزد از این از دست دادن فرصت، بابا اینقدر روز داریم داد بزنید بابا! امروز چرا؟ اینهمه سیصد و شصت و پنج روز خدا بهتان داده، حالا پانزده روزش را بگذاریم، سیصد و پنجاه روز، سیصد و پنجاه روز، بگویید هر چی می‌خواهید بگویید، دادبزنید توی میکروفون داد بزنید توی بلند گو هرچی، این چندروز، هرچی حساب دارد دیگر، آخر روز عرفه حساب خودش رادارد شب مشعر

حساب خودش رادارد عیدقربان حسابخودش را دارد هرچیزی حساب خودش را دارد.

این حساب ماه رجب را از دست ندهیم خلاصه، این ماه شعبان را از دست ندهیم به این حرفو نقل، آی چی شدو آی چی نشد نبازیم که معلوم نیست این فیضی که در امسال است همیشه باشد، هیچ تضمینی نیست.

اللَهم صل علی محمد و آل محمد